

ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوانان

۲. مفهوم «تهاجم فرهنگی»

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۲۰۷۶

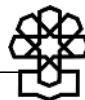
دفتر: مطالعات فرهنگی

آذرماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	طرح مسئله
۱۵.....	مفهوم تهاجم فرهنگی.....
۱۶.....	نظرات موافق و مخالف تهاجم فرهنگی.....
۲۰.....	پیشینه تهاجم فرهنگی.....
۲۲.....	پیامدهای پذیرش تهاجم فرهنگی.....
۲۹.....	راهکارها
۳۱.....	جمع‌بندی.....
۳۵.....	منابع و مآخذ.....



ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوانان

۲. مفهوم «تهاجم فرهنگی»

چکیده

مفهوم تهاجم فرهنگی برای تبیین و توجیه تغییرات صورت گرفته در حوزه تحولات فرهنگی و ارزشی و به خصوص در میان اقشار جوان کشور طرح شده است. طرح این مفهوم پیامدها و آثار مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است. در این گزارش پس از بررسی مفهوم تهاجم فرهنگی و پیشینه تاریخی آن، نظرات موافق و مخالف تهاجم فرهنگی و... مطرح شده و سپس به چرایی و چگونگی طرح این مفهوم پرداخته شده است. همچنین در ادامه، به راهکارها و نتایج اجرایی آن اشاره خواهد شد.

نگاه آسیب‌شناسانه به اقدامات صورت گرفته جهت مقابله با «تهاجم فرهنگی»

نشان می‌دهد که:

۱. تنها با صورت‌های ملموس این مسئله نظیر بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری

ویدئو و ماهواره و... برخورد شده است.

۲. برخوردهای صورت گرفته در این حوزه نیز عمدتاً از طریق نهادهای

غیرفرهنگی و صرفاً از راه‌های سلبی صورت گرفته است. درحالی که سیاستگذاری

فرهنگی از طریق نهادهای آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد

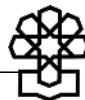
اسلامی، مطبوعات، رسانه‌ها، جراید و نشریات، سینما، محصولات فرهنگی و... جاری

می‌شود و به همین علت چنانچه سیاست فرهنگی، از مجاری غیرفرهنگی اجرایی شود و یا از سوی ابزارهای سیاست فرهنگی مورد تردید، رد یا دشمنی واقع شود به نتیجه لازم که اثرگذاری بر جامعه است، نخواهد رسید. به عبارت دیگر، برخورد با رویه سطحی تهاجم فرهنگی آن هم از طریق نهادهای غیرفرهنگی و عمدتاً انتظامی - قضایی نه تنها به نتایج قابل توجهی دست نیافته، بلکه در برخی مواقع باعث وخامت اوضاع نیز شده است.

همچنین، رهبری معظم انقلاب اسلامی برای مواجهه با سطوح مختلف تهاجم فرهنگی در بلندمدت و خارج ساختن آن از بن‌بست فعالیت‌های قضایی - انتظامی، اقدامات مهمی را سامان داده‌اند. در حوزه نخست طرح جنبش نرم‌افزاری تولید علم، نقشه جامع علمی کشور، کرسی‌های آزاداندیشی، تحول در علوم انسانی و... در این راستا قابل تحلیل است. در حوزه دوم الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی و دهه پیشرفت و عدالت مطرح شده است، اما همچنان بیشترین مشکلات و کمترین توفیقات در حوزه سوم - علیرغم موفقیت‌هایی در حوزه رسانه، شعر و ادبیات، داستان‌نویسی و رمان - برقرار است. درواقع بخش مهمی از این مشکلات در حوزه موسیقی، فیلم و سریال، سینما و... است که توفیقات در این زمینه بسیار ناچیز است.

مقدمه

سیاست‌گذاری فرهنگی در هر جامعه‌ای متأثر از انگاره‌های فرهنگی مورد نظر سیاست‌گذاران است. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری در خلأ صورت نمی‌پذیرد، بلکه



به شدت از باورهای نهادینه شده، چارچوب‌های تحلیلی و نظری و هر آنچه به عنوان مسلمات و توافقات اجتماعی در پس ذهن سیاستگذار وجود دارد، اثر می‌پذیرد. یکی از انگاره‌های مطرح نزد سیاستگذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی در ایران، وجود تهاجم فرهنگی به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی مبتلابه است که خواسته یا ناخواسته در برنامه‌ریزی‌ها مؤثر بوده و نوعی جهت‌دهی به رویکردهای اجتماعی به طور عام و مسائل جوانان به طور خاص را طلب می‌کند. بنابراین طرح دقیق و آسیب‌شناسانه «تهاجم فرهنگی» می‌تواند گامی اساسی در تحول سیاستگذاری فرهنگی به شمار آید.

در این گزارش پس از بررسی انگاره «تهاجم فرهنگی» به عنوان یکی از رویکردهای مطرح برای تبیین مسائل اجتماعی ایران به کندوکاو در بسترهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن خواهیم پرداخت.

طرح مسئله

کم‌وکیف ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل جدید جامعه ایرانی و رابطه نسل‌ها با یکدیگر یکی از سؤال‌های اساسی جامعه ما محسوب می‌شود. این مسئله از زمانی مورد توجه قرار گرفت که با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه، جامعه ایرانی دچار تغییرات فرهنگی و اجتماعی شگرفی شد و فرآیند نوسازی، جامعه را دستخوش تغییر و تحول همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کرد. همزمان با این تحولات، گروه‌های سنی جدید از جامعه، عرصه نوجوانی را ترک گفته

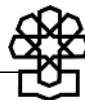
و به خیل جوانان می‌پیوندند و در عرصه اجتماعی ایفای نقش می‌کنند و آهسته آهسته نسلی جدید که عنوان نسل سوم به آنها اطلاق شده است، شکل می‌گیرد. همزمانی تحولات و ایفاگری نقش‌های متفاوت توسط این نسل در عرصه عمل اجتماعی و بروز برخی از رفتارها و هنجارها ازسوی این نسل، جامعه را با سؤالاتی روبرو می‌کند.

برای پاسخگویی به این سؤالات، علاوه‌بر مدل تبیینی گسست نسلی که در گزارش قبلی مطرح شد، سه رویکرد دیگر وجود دارد که عبارتند از:

الف) تغییرات اجتماعی - فرهنگی و برنامه‌های توسعه

در این چارچوب دستیابی به توسعه و رفاه بیشتر، نیازمند اجرای برنامه‌های توسعه در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن است. بنابراین تغییرات فرهنگی - اجتماعی در راستای توسعه اقتصادی به‌صورت اولویت اول در آمده و این تحولات، نه تنها نامناسب قلمداد نمی‌شود، بلکه نوعی ضرورت به‌شمار می‌رود. در این راستا، تغییر مناسبات اجتماعی که عمده‌تاً با تحولات در روابط و شاخص‌های کمی و کیفی خانواده در ارتباط است، امری غیرقابل اجتناب است.^۱ تجربه تاریخی غرب

۱. گسترش تحصیلات دانشگاهی و تأخیر در ازدواج، تحصیلات عالی و اشتغال زنان، گسترش آموزش و فرهنگ و ابزار تنظیم خانواده، ایجاد نسلی که دارای مضیقه خویشاوندی (نداشتن عمه، عمو، دایی، خاله و...) است، کاهش صله رحم به‌دلیل ضرورت یافتن تحصیلات ضمن خدمت و کار دوم و سوم برای تأمین هزینه تحصیل فرزندان، حذف کمک‌های دولتی به فرزندان چهارم و به بعد، تأکید بر حضور زنان در فرآیند توسعه و تغییر الگوی زن ایده‌آل از خانه‌دار و مادر به کارمند و کارآفرین و... ازجمله تصمیمات این حوزه هستند.



در این زمینه که تا حدودی در ایران نیز پیگیری شد، به شرح ذیل است:

خانواده در فرآیند مدرنیزاسیون تغییر شکل پیدا می‌کند. در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژی و اجتماعی - سیاسی، فرهنگ‌های جوامع مختلف را دگرگون کرده است. نگرش مردم پیرامون طلاق، ازدواج، رابطه با جنس مخالف، سقط جنین و اهمیتی که به تشکیل خانواده می‌دهند دگرگون شده و به‌طور کلی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. تغییر و تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی و به‌طور کلی امنیت اقتصادی کشورهای صنعتی منجر به تغییر ارزش‌ها و هنجارهای این جوامع شده است. بخش عمده‌ای از تحولات در بخش‌های فزونی جمعیت، گسترش تحصیلات، رشد شهرنشینی، بالا رفتن سطح زندگی، رواج اقتصاد بازاری، تخصص‌گرایی، تغییر فضا و فرهنگ کار، تبلیغات وسیع کالاهای مصرفی، مصرف‌گرایی، اشتغال زنان، افزایش مهاجرت، گسترش ارتباطات و... است. به همین نسبت کارکردهای اصلی خانواده نظیر اجتماعی کردن فرزندان، کارکردهای معیشتی و حمایتی، انتقال حرفه، فنون و... به نهادهای بیرونی واگذار شده است.

خانواده ایرانی نیز در چندین سال اخیر تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون و لوازم و پیامدهای آن از جمله تغییر ساخت اقتصادی و رواج شهرنشینی مهاجرت خانواده‌های روستایی به شهر، دگرگونی‌های نسبتاً چشمگیری را تجربه کرده است. خانواده امروزی از لحاظ ساخت و کارکرد و برخی ارزش‌های فرهنگی، تمایلی به شباهت با خصوصیات خانواده و ازدواج در جوامع صنعتی نشان می‌دهد. از نتایج نوسازی این است که شرایط مطلوب ازدواج با خویشاوندان کاهش می‌یابد، سن

ازدواج کم‌کم بالاتر می‌رود و پذیرش طلاق برای افراد آسان‌تر می‌شود که در ایران نیز در طول دوره‌های تغییر اجتماعی، تفاوت‌هایی بین واکنش‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در هنجارهای فرهنگی مثل ترجیحات برای ازدواج با خویشاوندان، انتخاب همسر براساس عشق و مطلوبیت ازدواج به‌وجود آمده است.^۱

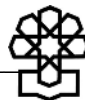
به این ترتیب، در جامعه ما نیز بعد از ورود پدیده‌های اجتماعی جدید و تحول جامعه از شکل سنتی گذشته و ورود به مرحله گذار برای رسیدن به مرحله صنعتی نوعی از دوگانگی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی رخ نمود که این امر در شکل‌گیری نظام ارزشی افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان بی‌تأثیر نمی‌باشد.

با عنایت به مطالب فوق چنانچه قائل به تحولات نسلی در جامعه ایران باشیم، می‌توان گفت: اجرای برنامه‌های توسعه پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی، توضیح‌دهنده سطوحی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌باشد و تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز تا حدی توضیح‌دهنده و مفسر نسل‌ها هستند و نه بالعکس.

ب) تغییرات اجتماعی - فرهنگی و حوالت تاریخی

در طی سال‌های مورد بحث، گونه‌ای از نظریات عمدتاً نظری - فلسفی نیز در تحلیل تغییرات اجتماعی - فرهنگی وجود دارد. این رویکرد که اجمالاً ذیل مفهوم «حوالت

۱. نگاه کنید به: گزارش بررسی روند رشد مولید، ازدواج و طلاق در ایران: چالش‌ها و راهکارها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۰۳۳۹، تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۵/۱۰.



تاریخی» قابل شناسایی است،^۱ چنین می‌اندیشد: در روزگار ما مفهوم گسست نسلی با بحران هویت پیوند و ارتباط عمیقی دارد. سرزمین ما حدود صدوپنجاه سال است که در حاشیه یک ماجرای جهانی، یعنی ظهور و گسترش مدرنیته و بازسازی هویت ملی براساس مدرنیته مانده و هنوز وارد متن آن نشده است. در این تفکر، جامعه ایرانی درگیر یک فضای شبه‌مدرن انفعالی حاکم بر مطالعه تاریخ، فلسفه، علم و فناوری، فرهنگ و هنر و... است. بنابراین رویکرد، گسست موجود، نوعی گسست جدی فرهنگی است که از طریق حرکت‌های تقلیدی، تأخیری و ترجمه‌ای در حوزه‌های مختلف به حوزه جوانان سرریز شده و از طریق مصرف کالاهای فرهنگی و فیلم‌های مبتذل عامه‌پسند، ماهواره‌ها و... تشدید شده است.^۲

ج) تغییرات اجتماعی - فرهنگی و جبهه فرهنگی دشمن

آیت‌الله خامنه‌ای نیز نسبت به مسئله تغییرات فرهنگی - اجتماعی پس از جنگ موضعی اتخاذ کرده‌اند. ایشان در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور (۱۳۷۱/۵/۲۱) می‌فرمایند:^۳ «مسئله حادّ جاری نظام ما در سه، چهار سال اخیر - از بعد از جنگ تا امروز - ایجاد جبهه فرهنگی دشمن و تهاجم نوبه‌نو و سازمان یافته از سوی دشمن بوده است».

۱. نگاه کنید به: آثار رضا داوری اردکانی، محمد مددپور، شهریار زرشناس و... .

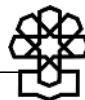
۲. مددپور، ۱۳۸۲، صص ۳-۳۱.

۳. سایت www.khamenei.ir

رهبری با تولید اصطلاح «تهاجم فرهنگی» و بیان تفاوت‌های آن با «تبادل فرهنگی» به تبیین تحولات ایران پس از جنگ تحمیلی پرداختند. در مدل تبیینی آیت‌الله خامنه‌ای «تهاجم فرهنگی» این است که «یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و ملت می‌کند، اما به زور، اما به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی».^۱ در این رویکرد، «هدف تهاجم فرهنگی، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است». رهبری با اشاره به حضور استعمارگران در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و تقدم حضور میسیون‌های مسیحی و هیئت‌های تبشیری نسبت به سیاستمداران و سربازان و قزاق‌هایشان تأکید دارند که: «تبادل فرهنگی در هنگام قوّت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است».

ایشان، آغاز مشخص تهاجم فرهنگی را به دوران رضاخان، ارجاع داده و یکی از مهمترین مقدمات آن را ایجاد جریان روشنفکری وابسته دانستند و تصریح کردند: «روشنفکری ایران، متأسفانه بیمار و وابسته متولّد شد». رهبری با بیان اینکه انقلاب اسلامی تهاجم را متوقّف کرد، تأکید کردند: «تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تأثیرگذاری‌اش مؤثر بود، اما باز حرارت جنگ، مانع بود، تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، دشمن فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی

۱. بیانات رهبری در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور، (۱۳۷۱/۵/۲۱).



یا محاصره اقتصادی نمی‌شود از بین برد. دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره اقتصادی و با محاصره نظامی و یا چه و چه نمی‌شود به زانو درآورد. پس آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایشار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را اینها را باید از بین برد».

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به عملکرد دستگاه‌های فرهنگی کشور می‌افزایند: «یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این انزوا نه فقط در داخل کشور که توسط مجامع جهانی نیز از طریق تحقیر جریان متعهد و بزرگنمایی چهره‌های مخالف انقلاب در عرصه‌های مختلف ادبی و هنری به وقوع می‌پیوندد». ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

«از جمله روش‌های دیگری که دشمنان در مجامع جهانی به کار بردند، این است که وقتی فیلم یا آثار و فرآورده‌های هنری ایران مطرح می‌شود، کاری که نشان از همین روحيات انقلابی در آن باشد، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. این مجمع جهانی، مثلاً و به ظاهر، یک مجمع غیرسیاسی است؛ اما باطن قضیه، این‌طور نیست. چطور کسی می‌تواند چشمش را روی هم بگذارد و بگوید «اینها غیرسیاسی هستند». چرا در همه این مواردی که اینها جایزه دادند، یک مورد اثر انقلابی وجود ندارد؟! ما فیلم انقلابی نداریم؟! شعر انقلابی نداریم؟! نمایشنامه انقلابی نداریم؟! این همه فرآورده‌های انقلابی که جوانان ما درست کردند، هیچ‌کدام ارزش هنری ندارد؟! بنده احتمال می‌دهم اگر رویشان بشود، جایزه نوبل را هم حاضرند به یکی از همین

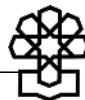
عناصر ضداسلامی و ضدانقلابی بدهند؛ برای اینکه آنها را در دنیا بزرگ کنند؛ برای اینکه عناصر انقلابی را منزوی کنند. این، تهاجم فرهنگی نیست؟!»^۱

وقوف آیت‌الله خامنه‌ای به واکنش‌های بعدی نسبت به این موضع‌گیری در سخنان ایشان بازتاب می‌یابد:

«من می‌خواهم از شما سؤال کنم: اگر مدیر مدرسه‌ای، نسبت به فاسد شدن پانصد یا ششصد یا هزار نوجوانی که به دست او سپرده‌اند، حساس بود و گوش کسی را که وسیله دشمن قرار گرفته و داخل آن مدرسه هروئین آورده، پیچاند، ما باید به این مدیر مدرسه چه بگوییم؟ بگوییم: «آقا، شما برخلاف آزادی عمل کردی؟ این چه روشی است؟ شما ضدآزادی هستی؟!» ... بگویند: «خیر! شما باید اجازه بدهی خودشان انتخاب کنند! هر کس نخواست، خودش نکشد! تو برو در مضرّات هروئین حرف بزن!» این، یک بخشی از تهاجم فرهنگی است.

نظام اسلامی را متهم می‌کنند که «این مرام، نظامی است و آزادی نمی‌دهد». .

چطور ما آزادی نمی‌دهیم؟! شما در کدام کشور، این همه مجله و روزنامه و مطبوعات سراغ دارید؟ ... روزنامه‌های رسمی کشور، علناً و صریحاً، سیاست‌های دولت را زیر سؤال می‌برند و از آن انتقاد می‌کنند. ... اکنون در ایران مجلاتی به چاپ می‌رسند که اگر کسی مختصر آشنایی با عناصر فرهنگی کشور از زمان گذشته داشته باشد و بداند هنرمندان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ قلم زنان شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مخلصین و چاکران دستگاه‌های شاهنشاهی چه کسانی هستند؛ مرعوبین دشمنان چه



کسانی هستند؛ آمریکایی‌دوستان چه کسانی هستند؛ می‌داند که این مجلات از کجاها پولش می‌آید! قابل حدس هست. ما هم بی‌خبر نیستیم. ... اینها چاپ می‌شوند؛ کاری هم به کارشان نداریم. ما از اینکه مجله‌ای چهار کلمه حرف بنویسد، واهمه‌ای نداریم! ما هم می‌نویسیم»^۱.

همان‌گونه که از مجموعه مباحث بالا برمی‌آید، چهار گونه تحلیل درباره تحولات فرهنگی - اجتماعی دوران سازندگی وجود دارد.

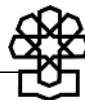
جدول ۱. مدل‌های مطرح برای تبیین تغییرات فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران پس از جنگ

ردیف	مدل تبیینی	گروه مخاطب	سال اعلام	شخصیت برجسته مطرح‌کننده	مؤلفه‌های برجسته	سرنوشت	وضعیت نهایی
۱	حوالت تاریخی	جامعه	۱۳۵۰*	سیداحمد فردید	فضای شبه‌مدرن انفعالی	- حاشیه‌نشینی - جذب در گفتمان - تهاجم فرهنگی	تهاجم فرهنگی
۲	تهاجم فرهنگی	جامعه	۱۳۷۱	آیت‌الله خامنه‌ای	جبهه فرهنگی دشمن	تداوم گفتمانی	
۳	تغییرات فرهنگی - اجتماعی مدرنیزاسیون	جامعه	۱۳۷۲	پروفسور رفیع‌پور	برنامه‌های توسعه	- جذب در گفتمان - تهاجم فرهنگی - جذب در گفتمان - شکاف نسلی	شکاف نسلی
۴	شکاف نسلی	جوانان	۱۳۷۶	سیدمحمد خاتمی	جنگ تحمیلی	تداوم گفتمانی	

* البته این رویکرد مستقیماً به موضوع تحولات دهه ۱۳۷۰ مرتبط نیست، بلکه رویکرد کلانی است که در این مورد نیز از سوی سخنگویانش بیان شده است.

همان‌گونه که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای مشهود است، علیرغم تأکید ایشان بر «جبهه فرهنگی دشمن»، گفتمان «تهاجم فرهنگی» هرگز از «فضای شبه‌مدرن انفعالی» و «برنامه‌های توسعه» غافل نبوده است. ضمن اینکه بخشی از نیروهایی که بعدها به گفتمان «شکاف نسلی» پیوستند، از حوزه «برنامه‌های توسعه» وارد این جرگه شدند. آنچه منجر به جدایی پیروان «برنامه‌های توسعه» شد، نگرش آنها به توسعه بود. گروهی که توسعه غربی را حاصل تجربه بشری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند به گفتمان «شکاف نسلی» پیوستند، ولی کسانی که چنین نگاه جبرآمیزی به تاریخ تجد و برنامه‌های توسعه نداشتند، جذب گفتمان «تهاجم فرهنگی» شدند. بنابراین فضای نهایی جامعه را دو گفتمان ذیل شکل داده‌اند:

۱. **تهاجم فرهنگی:** که به مدرنیزاسیون وارداتی مرتبط بوده و بر کل جامعه اثرگذار است و نقش جوانان در اینجا صرفاً آسیب‌پذیری بیشتر است.
 ۲. **شکاف نسلی:** که با تحولات ارزشی با پایان یافتن جنگ تحمیلی پیوند داشته و با نظریات مرتبط با پایان جنگ جهانی دوم در تحلیل خرده‌فرهنگ‌های جوانان قرابت دارد.
- در رویکرد نخست تحولات اجتماعی جامعه ایرانی که با ورود مدرنیزاسیون وارداتی استبداد رضاخانی آغاز شده، در تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای عنوان «تهاجم فرهنگی» گرفته است. تهاجمی که بعد از جنگ تحمیلی توسط دستگاه‌های فرهنگی داخلی و بین‌المللی تشدید می‌شود. همچنین ایشان در سال ۱۳۷۱ پیش‌بینی می‌کنند که طرح این مسئله با اعتراض‌هایی از جمله نبود «آزادی» مواجه خواهد شد. این پیش‌بینی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ تحقق یافته و دولتی با شعار آزادی به قدرت



می‌رسد و با چشم بستن بر آثار اجتماعی - فرهنگی برنامه‌های توسعه، مسئله «گسست نسل‌ها» را مطرح می‌کند.

این درحالی است که اولاً فرایند مدرنیزاسیون همه واقعیت را توضیح نمی‌دهد، زیرا نوعی تلاش در تغییر فرهنگ جامعه ایرانی از سوی دولت‌های متخاصم نظیر آمریکا و تصویب بودجه‌های کلان برای نفوذ فرهنگی در ایران، دیده می‌شود. ثانیاً کاربرد مفهوم «شکاف نسلی» برای تغییرات اجتماعی ناشی از برنامه‌های توسعه، با ادبیات علوم اجتماعی رایج که تحولات جامعه در حال صنعتی شدن را توضیح می‌دهد، ناهمخوان است. ثالثاً «مطالعات نسلی» در غرب به تحولات جامعه غربی بعد از جنگ‌های جهانی و شکست ادعاهای روشنگری مربوط است^۱ و مقایسه آثار جنگ جهانی دوم با آثار و برکات دفاع مقدس که منجر به تحکیم ارزش‌های اسلام انقلابی و اثبات کارآمدی اسلام ناب و نظام ولایت فقیه در اداره جامعه بود، از پایه غلط است.

حال، سؤال اساسی این است که: آیا شرایط انقلاب اسلامی در پایان جنگ تحمیلی چیزی شبیه اروپای بعد از جنگ‌های جهانی است؟ آیا جنگ تحمیلی گامی در راستای تردید و فروپاشی ارزش‌های دینی و انقلابی بود، یا فرصتی برای ظهور همه‌جانبه ظرفیت‌های اسلام ناب؟ آیا در ادبیات شکاف نسلی ایران به‌گونه‌ای اتفاقی

۱. نگاه کنید به: مید، مارگارت، فرهنگ و تعهد؛ پژوهش درباره شکاف نسل‌ها، ترجمه عبدالعلی دستغیب، نشر نوید شیراز، خردادماه ۱۳۸۵.

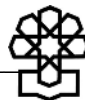
- مقاله ذهنیت نسلی؛ دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها، فصلنامه فلسفی ارغنون، ش ۱۹، کریستوفر بالاس، ترجمه حسین پاینده که این مقاله ترجمه فصل یازدهم از کتاب زیر است:

- Bollas, Christopher. Being a Character: Psychoanalysis and self Experience, London: Routledge, 1993.

جنگ تحمیلی عامل شناسایی و تفکیک نسل‌ها قرار گرفته است؟ و نهایتاً، تحلیل یک مسئله به دو مفهوم مختلف، چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟

رهبری نه تنها مدل «تهاجم فرهنگی» را برای فهم تحولات پس از جنگ تحمیلی ارائه می‌کند، بلکه نسبت به طرح مسئله شکاف نسلی^۱ هم در دیدار با جوانان اتخاذ موضع می‌نماید: «... بعضی کسان نسبت به نسل جوان ایرانی، از لحاظ اعتقادات و از لحاظ ایمان، به‌طور افراطی دچار قضاوت‌های غلط و انحرافی هستند. من اعتقاد این است. کاوش‌ها هم همین را نشان می‌دهد که جوان ایرانی، جوانی است مؤمن، پاکدامن، پاک گوهر، دارای زمینه‌های دینی بسیار زیاد و مایل به جنبه‌های معنوی. البته توقّعی که ما از یک جوان داریم، با توقّعی که از یک آدم مسّـنِ جا افتاده قوا از دست داده داریم، به کُلّی متفاوت است. ... هدف‌های دشمن از این کارها عبارت است از بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست سال اخیر. همه مردمانِ با فرهنگ در کشورها سعی می‌کنند افتخارات گذشته خودشان را بزرگ کنند. این جنگ هشت‌ساله و این دفاع مقدّس، از بزرگ‌ترین افتخارات ملت ایران بود. ... این جنگ یکی از مفاخر تاریخ ایران است؛ آن‌وقت می‌آیند جنگ و رزمندگان و شهدا و سپاه و ارتش و بسیج را زیر سؤال می‌برند! این گسستِ نسل کنونی از نسل گذشته و از افتخارات گذشته، این جدا کردن مردم از مسئولان و این جدا کردن مردم از عقاید و باورهای دینی، آیا جز از دشمن برمی‌آید؟ اما می‌بینیم

۱. برای مطالعه بیشتر اقتضائات شکاف نسلی نگاه کند به گزارش ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی جوانان ۱: مفهوم «شکاف نسلی».



که فلان روزنامه هم این کارها را می‌کند! البته بعضی هم هستند که واقعاً دشمن نیستند - من می‌دانم این‌طور است - اما غافلند»^۱.

همان‌طور که گفته شد در میان رویکردهای مذکور، رویکرد تهاجم فرهنگی به دلیل طرح ازسوی رهبری و دارا بودن قدرت رقابت با رویکرد شکاف نسلی از اهمیت بیشتری برخوردار است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

مفهوم تهاجم فرهنگی

منظور از «تهاجم فرهنگی» آن است که جامعه‌ای تلاش کند که فرهنگ خودش را بر جامعه دیگری که طبعاً دارای فرهنگی خاص می‌باشد تحمیل کند یا دستکم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه به وجود آورد. این کار هجوم فرهنگی تلقی می‌شود^۲ به طور کلی منظور از تهاجم فرهنگی تلاش افراد یا جوامعی است که به قصد عوض کردن یا دگرگون ساختن فرهنگ جامعه دیگری انجام می‌شود. این دگرگونی ممکن است در سه بخش اساسی ظهور کند:

الف) در بخش شناخت‌ها و باورها، بینش افراد را نسبت به خدا، جهان و انسان تغییر دهند.

ب) در بخش ارزش‌ها و گرایش‌ها، تلاش می‌شود ارزش‌های یک جامعه سست شود، زیرا هنگامی زندگی افراد، انسانی و ممتاز از زندگی حیوانات خواهد بود که

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران، (۱۳۷۹/۲/۱).

۲. مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۷۱.

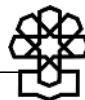
خوب و بد در آن مطرح باشد، درواقع زندگی بدون اعتقاد به یک سلسه ارزش‌ها شکل انسانی پیدا نمی‌کند، اما جوامع، از نظر شناخت خوب و بد و ارزش و ضدارزش، با هم اختلاف نظر دارند.

ج) در رفتارها و کردارها، وقتی باورها و ارزش‌های افراد یک جامعه تغییر کنند خود به خود رفتار انسان‌ها هم تغییر خواهد کرد. ازاین‌رو، کسانی که می‌خواهند به فرهنگ جامعه‌ای هجوم ببرند سعی می‌کنند در الگوهای رفتاری افراد آن جامعه تغییراتی به‌وجود آورند.

به‌طور خلاصه، منظور از تهاجم فرهنگی این است که شناخت‌های مردم جامعه ما را نسبت به جهان و انسان و ارزش‌هایی که به آنها دل بسته‌ایم و شیوه رفتار فردی و اجتماعی‌مان را، به‌گونه‌ای که به نفع خودشان باشد تغییر دهند.^۱ البته روش این تهاجم ممکن است دگرگونی ارزشی – هنجاری از طریق: افتادن در دام توطئه نیروهای جریان باطل، هستی‌شناسی، زیباشناسی، روش‌شناسی و علوم انسانی غربی، مصرف کالاها و محصولات غربی یا وسیله دیگری باشد.

نظرات موافق و مخالف تهاجم فرهنگی

به‌طور کلی پیرامون تهاجم فرهنگی سه رویکرد قابل تفکیک است:



۱. مخالفان تهاجم فرهنگی

در طی سده‌های اخیر، عده‌ای از روشنفکران تقلید از فرهنگ غربی و تغییر، تحریف و حتی زدودن برخی یا تمام مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی را یکی از راه‌های دستیابی به تجدد دانسته و وجود مسئله‌ای نظیر تهاجم فرهنگی را به کلی نفی کرده‌اند.

۲. طرفداران تبادل فرهنگی

عده‌ای دیگر نیز از تفاوت و تبادل فرهنگی سخن گفته و معتقد بودند فرهنگ غربی به عنوان فرهنگ غالب در دوران معاصر تنها به تبادل با فرهنگ‌های دیگر می‌پردازد و آنچه توطئه و تهاجم تلقی می‌شود نوعی توهم و بدبینی نسبت به تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر فرهنگی است. بنابراین رویکرد، گفتگو میان فرهنگ‌ها مدل عالمانه‌تر و جایگزین تهاجم فرهنگی است.^۱

۳. موافقان تهاجم فرهنگی

علیرغم فقر نظری در مورد تهاجم فرهنگی و شباهت میان نظریات مختلف، می‌توان از مجموعه مباحث مطروحه دیدگاه‌هایی را استخراج کرد. در این زمینه سه دیدگاه عمده وجود دارد. از یک‌سو، کسانی که با رویکردی دینی با موضوع مواجه می‌شوند و تهاجم فرهنگی را نیز ذیل تقابل دائمی جریان حق و باطل تحلیل می‌کند. از سوی دیگر،

۱. واضح است که تمدن‌ها هرگز با یکدیگر گفتگو نمی‌کنند، بلکه تنها امکان گفتگوی میان فرهنگ‌ها آن هم در شرایطی محتمل است که تحمل پذیرش تهدید به «جنگ تمدنی» را داشته باشیم.

کسانی قرار دارند که تهاجم فرهنگی را ذیل تقابل تمدن غرب با سایر تمدن‌ها تفسیر می‌نمایند. دیدگاه سوم نیز الگوی مصرف را وجهه برجسته تهاجم فرهنگی دانسته و با تحلیل اقتصاد استعماری به تبیین تهاجم فرهنگی می‌پردازد.

الف) رویکرد دینی

در این رویکرد، تهاجم فرهنگی معادل زمینه‌سازی برای تسلط کفار بر مسلمانان به‌شمار آمده و به‌واسطه آیه «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»^۱ به تفسیر و تحلیل آن پرداخته می‌شود.^۲

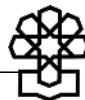
ب) رویکرد غرب‌شناسانه

صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند بحران در مسائل و مباحث نظری دیر یا زود تبدیل به بحران فرهنگی می‌گردد، بحران دهشتناکی که همه فرهنگ و ادب را از هم پاشیده و به مخاطره می‌اندازند و نسلی را از درون مستعد اضمحلال در میان اخلاق و ادب اقوام مهاجم می‌سازد.^۳ با این‌حال، بخشی از حرکت تهاجم فرهنگی به «احیا و اعتبار بخشیدن» دوباره به اندیشه‌ای باز می‌گشت که طی یک‌صد و پنجاه سال، «مذهب اومانیستی» روشنفکر مابانه را در میان تعلیم‌گیرندگان نظام مدرسی و دانشگاهی جدید و هنرمندان و نویسندگان ایجاد کرده بود و با وجود این زمینه مهیا، تنها تزریق

۱. سوره نساء، آیه ۱۴.

۲. نگاه کنید به: حمدتی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶، ص ۴۵.

۳. نگاه کنید به: شفیعی سروستانی؛ اسماعیل، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۰.



اعتبار اجتماعی، امکانات مالی و... کافی بود تا بار دیگر آن را در قالب آثار جدید و با رنگ و لعابی نوین احیا کند.^۱

ج) رویکرد اقتصادی

در این رویکرد، هدف تهاجم فرهنگی، مشابه آموزش در دوران جوامع توسعه‌یافته است و آن پذیرش فرهنگ غیرخودی و به حداقل رساندن مقاومت در برابر آن و در صورت امکان چه واقعی و چه خیالی خود را جزئی از فرهنگ و جامعه صنعتی دانستن است در چنین وضعی برای انسان غربزده نشر فرهنگ غربی در کشور به‌عنوان رسالتی برای متمدن کردن مردم کشور خویش به‌شمار می‌آید.^۲ بنابراین رویکرد، همه جا به این باور رسیده‌اند که برای توسعه می‌باید به توسعه اقتصادی رسید و برای توسعه اقتصادی نیز می‌باید آنچه سنتی و بومی است اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رها کرد. این باور در ذهن دانش‌آموختگان دانشگاهی و به‌ویژه رشته اقتصاد، از آنچنان جایگاهی برخوردار است که برخلاف تعریف علم و با وجود هفتاد سال تجربه توأم با شکست آن در ایران و در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای درحال توسعه، باز هم مورد استفاده برای توسعه قرار می‌گیرد، منتهی با پوشش‌های جدیدی که مؤسسات بین‌المللی توسعه و ازجمله بانک جهانی و صندوق بین‌الملل پول به آن می‌دهند.^۳

۱. اسماعیل شفیع سروستانی، ۱۳۷۴، ص ۶.

۲. نگاه کنید به: ابراهیم رزاقی، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۴، ص ۲۵.

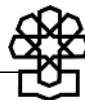
۳. رزاقی، ۱۳۷۴، صص ۲۸۹-۲۹۱.

پیشینه تهاجم فرهنگی

به گفته برخی منابع، تهاجم فرهنگی، پدیده‌ای نوین نیست، بلکه رد پای آن را در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام مشاهده می‌کنیم. از جمله این موارد، سرنوشت شوم کشور مسلمان و مقتدر «اندلس» است. کشوری که نمونه گویایی از سقوط یک سرزمین پهناور و مقتدر است که در اثر سقوط و انحراف جوانانش، نابود شد. مهمترین عواملی که منجر به نابودی این سرزمین اسلامی و سر برآوردن کشور مسیحی اسپانیا گردید، عبارتند از: اختلافات داخلی، خیانت زمامداران، اشاعه فساد و بی‌بندوباری، می‌خواری و شهوترانی میان جوانان که عمدتاً از نفوذ فرهنگی مسیحیان در جامعه مسلمانان نشئت می‌گرفتند.^۱ این طرز تلقی هنگامی که جامعه امروز را تبیین می‌کند، چنین می‌گوید: بی‌تردید، دوره نوجوانی و جوانی از آسیب‌پذیرترین مراحل زندگی است و این امر، از دو جهت قابل تبیین است: یکی محدودیت تجربه و دیگری غلبه احساسات بر فرد، از این‌رو احساسات، مالک وجود آدمی می‌شود و او را مسخر خود می‌کند. فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از این ویژگی‌ها و شگردهای تبلیغاتی، سعی در فروپاشی اعتقادی و فکری نسل قبل داشته و از طریق تهی ساختن آنها از درون، زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگی بیگانه فراهم می‌آورد.^۲ بنابراین، مقابله با تهاجم فرهنگی از طریق بازیابی هویت ممکن است که دارای دو بخش خواهد بود:

۱. شرفی، ۱۳۸۹، صص ۶۵-۶۴.

۲. همان، صص ۶۳-۶۴.



۱. درک هویت فرهنگی خویش،

۲. درک هویت فرهنگی دیگری مهاجم.^۱

برخی منابع نیز، غربزدگی و تهاجم فرهنگی را در کنار یکدیگر به کار می‌برند و معتقدند آنچه در ایران غربزدگی به شمار رفته و زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی بوده است، از طرف روشنفکران به‌ویژه در آغاز طرح این بحث، داروی دردها و تنها راه دستیابی به تجدد تصور می‌شده است.^۲

سومین رویکرد که عمدتاً از مباحث روز در تحلیل تهاجم فرهنگی بهره می‌برد، از مفهوم «ناتوی^۳ فرهنگی» استفاده کرده^۴ و می‌گوید: در سال ۱۹۹۹ میلادی «فرانسیس استیونر ساندرس» از متخصصان جنگ جهانی دوم کتابی با عنوان «جنگ سرد فرهنگی» منتشر کرد و به نقش سازمان سیا در استفاده از روش‌های نرم فرهنگی در ابعاد مختلف آن پرداخت و ناتوی فرهنگی را استراتژی فرهنگی سازمان سیا نامید. از نظر «ساندرس» سازمان سیا در مقام «وزارت فرهنگ بلوک غرب» عمل می‌کرد و توانست کنگره آزادی فرهنگی را ژوئن ۱۹۵۰ میلادی با حضور یکصد

۱. همان، صص ۶۵-۶۶.

۲. نگاه کنید به: منوچهر محسنی، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.

۳. سازمان پیمان دفاعی - نظامی آتلانتیک شمالی یا ناتو در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ از سوی آمریکا و هم‌پیمانان آن برای مقابله با نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در اروپای شرقی و سایر نقاط اروپا تأسیس و راه‌اندازی شد.

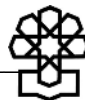
۴. این مفهوم عمدتاً با کتاب «شوالیه‌های ناتوی فرهنگی» که نخستین بار در پاییز ۱۳۸۶ با مقدمه حسین شریعتمداری (نماینده مقام معظم رهبری در مؤسسه کیهان) منتشر شد، بر سر زبان‌ها افتاد. این کتاب در سال ۱۳۸۷ با ده نوبت چاپ و فروش ۳۲ هزار نسخه عنوان «پرفروش‌ترین کتاب سیاسی سال» را کسب کرد.

نویسنده از سراسر جهان در برلین تأسیس کند، از مهمترین اقدامات این کنگره، آزادی فرهنگی و ایجاد نشریات علیه مخالفان بود، که توانست در فروپاشی شوروی موفق شود. نیکسون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا گفته بود: «ما در رقابت با شوروی باید در دو جبهه پیروز شویم: اقتصاد و ایدئولوژی». براین‌اساس برخی بر این عقیده‌اند که عامل اصلی فروپاشی شوروی جنگ فرهنگی بود که مهارت کامل و با صرف هزینه‌های گسترده، بر دانش، بینش و رفتار مردم، نخبگان، مدیران و دولتمردان شوروی و بلوک شرق تأثیر گذاشت و سرانجام بلوک قدرتمند شوروی را از هم متلاشی کرد.^۱

پیامدهای پذیرش تهاجم فرهنگی

به‌دنبال هشدار «مقام معظم رهبری»، اگرچه اعلامیه‌های بسیاری مبنی بر تأیید نظرات ایشان منتشر شده و اقدامات پیشگیرانه و افشاگرانه‌ای در جهت توقف و کنترل این جریان انجام شده است، لکن عوامل خارجی و داخلی این تهاجم هنوز هم به‌راحتی هرچه تمام‌تر اهداف خویش را پی می‌گیرند و با گسترش امکانات و متنوع ساختن فعالیت‌های خود تمامی ارزش‌های معنوی، سنن و باورهای دینی را مخدوش می‌کنند. اعلام حمایت برخی از مسئولان وزارتخانه‌ها و پاره‌ای از دانشگاه‌های کشور از بیانات معظم‌له درباره تهاجم فرهنگی، این انتظار را ایجاد می‌کرد که اقداماتی جدی در

۱. مصطفی آخوندی، راهبردهای جهاد فرهنگی در تقابل با ناتوی فرهنگی، فصلنامه مربیان، ش ۲۴.



این باره انجام شود، خاصه که گذر زمان وجوه گوناگون این تهاجم را بیش از پیش منعکس می‌ساخت، لکن محدود ساختن این اقدامات در برخی از مسائل سطحی و استمرار تمامی برنامه‌های آموزشی، تربیتی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مدارس به سبک و سیاق پیشین، حکایت از فقدان درکی عمیق از این امر خطیر را داشت.^۱

صورت مبتذل فرهنگ غربی به واسطه آنکه برای عموم معتقدان فرهنگ دینی آشکار و شناخته شده بوده است در برخورد با آن - هرچند سطحی - موفق به اظهار رأی و موضع‌گیری بوده‌اند. چنان‌که وقتی موضوع تهاجم فرهنگی مطرح می‌شود، وجوه پاره‌ای از صورت‌های آشکار آن چون پوششش، روابط انسانی، موسیقی و... مورد تعرض سریع واقع می‌شوند و با اجرای طرح‌های عجولانه و کوتاه‌مدت تا حدودی موفق به جلوگیری از اشاعه آن می‌گردیدند، لکن در همان وقت از این غفلت می‌شد که آنچه جامعه به آن مبتلا گشته است و از آن به‌عنوان «تهاجم فرهنگی» سخن به میان می‌آورد، تنها صورت مبتذل شناخته شده آن نیست.^۲

متأسفانه، امروز نیز اساس بسیاری از مقالات منتشره در اکثر مطبوعات و مباحث رسمی کلاس‌های درسی دانشگاهی برمبنای وارد ساختن «تشکیک در معرفت دینی» است. همان‌که به واسطه دید کمی حاکم بر علوم جدید و حتی علوم انسانی، به تدریج جوانان این دیار را مهیای نماز گزاردن بر قبله‌گاه غرب می‌کند و در مقابل وجهی از علم و تکنولوژی دست دوم، اخلاق و فرهنگ لمپنی و مبتذل را نصیب آنان

۱. اسماعیل شفیعی‌سروستانی، ۱۳۷۴، صص ۷-۸.

۲. همان، ص ۲۳۱.

می‌سازد. باید توجه داشت که ارباب در برابر دستاوردهای تکنیکی غرب و مبنا قرار دادن دریافت‌های عقل غربی برای بررسی همه امور عالم و آدم جز در غلتیدن در فلک‌زدگی جهان معاصر و شریک شدن در تاریخی که غرب اینک مبتذل‌ترین صورت آن را پشت سر می‌گذارد، نخواهد داشت. تعلل هر روزه در رابطه با تهاجم فرهنگی غرب نابودی بسیار از جوانان ما در پی خواهد داشت.^۱

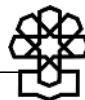
پیش از ورود به بحث، طرح این نکته خالی از فایده نیست که برداشت جامعه از انگیزه طرح مفهوم تهاجم فرهنگی چیست؟ پاسخ این سؤال در ارتباط مستقیمی با تلقی رایج جامعه از تهاجم فرهنگی قرار دارد. تلقی مرسوم این است که هدف از تهاجم فرهنگی، تضعیف دین در جامعه ایران - به عنوان رکن اصلی حکومت اسلامی - و به دنبال آن، تضعیف جمهوری اسلامی و استیلای سیاسی است. بنابراین مقابله با تهاجم فرهنگی مساوی است با مقابله با تضعیف دین و در نتیجه تضعیف نظام. همین تلقی است که جامعه را عمدتاً به تلقی سیاسی - فرهنگی از تهاجم فرهنگی می‌کشاند. درحالی که مهمترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، مقابله فرهنگی است.^۲

با یک نگاه آسیب‌شناسانه به اقدامات صورت گرفته جهت مقابله با «تهاجم فرهنگی» مشخص می‌شود که:

۱. تنها با صورت‌های ملموس این مسئله نظیر بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری

۱. همان، صص ۸-۹.

۲. در این باره نگاه کنید به: گفتگوی فصلنامه فارابی با سیدمرتضی آوینی، ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۱، با عنوان «ویدیو بلایی است که ما را آبدیده خواهد کرد».



ویدئو و ماهواره و... برخورد شده است.

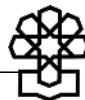
۲. برخوردهای صورت گرفته در این حوزه نیز عمدتاً از طریق نهادهای غیرفرهنگی و صرفاً از راه‌های سلبی صورت گرفته است. درحالی که سیاستگذاری فرهنگی از طریق نهادهای آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات، رسانه‌ها، جراید و نشریات، سینما، محصولات فرهنگی و... جاری می‌شود^۱ و به همین علت چنانچه سیاست فرهنگی، از مجاری غیرفرهنگی اجرایی شود و یا ازسوی ابزارهای سیاست فرهنگی مورد تردید، رد یا دشمنی واقع شود به نتیجه لازم که اثرگذاری بر جامعه است، نخواهد رسید. به عبارت دیگر، برخورد با رویه سطحی تهاجم فرهنگی آن‌هم از طریق نهادهای غیرفرهنگی و عمدتاً انتظامی - قضایی نه تنها به نتایج قابل توجهی دست نیافته، بلکه در برخی مواقع باعث وخامت اوضاع نیز شده است.

الف) اجرایی شدن سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) از مجاری غیرفرهنگی (نهادهای انتظامی - قضایی) ← ۱. برخورد سلبی، ۲. محدود شدن به صورت‌های ملموس تهاجم فرهنگی (بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری ویدئو و ماهواره و...) ← ۱. آسیب دیدن و نارضایتی برخی از توده‌ها از برخورد قضایی - انتظامی ۲. بروز برخی اشتباهات و تدریجی‌ها و بداخلاقی‌ها ازسوی عاملان قضایی - انتظامی ← ۱. آمادگی ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق برای پذیرش رویکرد مخالف یا رقیب، ۲. برجسته‌سازی تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و تدریجی‌ها در

رسانه‌های معاند، ۳. تخریب و رد اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با مستمسک قرار دادن تصاویر برجسته شده، ۴. اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) ← خنثی‌سازی سیاست فرهنگی.

جدول ۲. اجرایی شدن سیاست فرهنگی از مجاری غیرفرهنگی

اجرائی شدن سیاست فرهنگی	پیامد سطح ۱	پیامد سطح ۲	پیامد سطح ۳	نتیجه نهایی
اجرائی شدن سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) از مجاری غیرفرهنگی (نهادهای انتظامی - قضایی)	برخورد سلبی	آسیب دیدن و نارضایتی برخی از توده‌ها از برخورد قضایی - انتظامی	آمادگی ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق برای پذیرش رویکرد مخالف یا رقیب	خنثی‌سازی سیاست فرهنگی
			برجسته‌سازی تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و تندروی‌ها در رسانه‌های معاند	
	محدود شدن به صورت‌های ملموس تهاجم فرهنگی (بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری ویدئو و ماهواره و...)	بروز برخی اشتباهات و تندروی‌ها و بداخلاقی‌ها از سوی عاملان قضایی - انتظامی	تخریب و رد اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با مستمسک قرار دادن تصاویر برجسته شده اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی)	

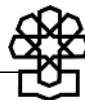


ب) تردید، رد یا دشمنی نهادهای فرهنگی با سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) ←
۱. استفاده از ظرفیت ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق از سیاست فرهنگی
(تهاجم فرهنگی)، ۲. موضوع قرار دادن تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و
تندروی‌های نیروهای قضایی - انتظامی برای تولید کالاهای فرهنگی، ۳. تخریب و رد
اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با بمباران مخاطب از تصاویر برجسته شده،
۴. پرورش اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی)
از طریق ظرفیت‌های هنر، رسانه و آموزش ← خنثی‌سازی سیاست فرهنگی (تهاجم
فرهنگی) و اثبات سیاست فرهنگی رقیب (شکاف نسلی) ← جاری ساختن سیاست
فرهنگی رقیب (شکاف نسلی) به‌عنوان سیاست فرهنگی نخبگان در برابر زورمندان.

جدول ۳. مقاومت نهادهای فرهنگی در برابر سیاست فرهنگی

اجرائی شدن سیاست فرهنگی	پیامد سطح ۱	پیامد سطح ۲	نتیجه نهایی
تردید، رد یا دشمنی نهادهای فرهنگی با سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی)	استفاده از ظرفیت ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق از سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی)	خنثی‌سازی سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) و اثبات سیاست فرهنگی رقیب (شکاف نسلی)	جاری ساختن سیاست فرهنگی رقیب (شکاف نسلی) به عنوان سیاست فرهنگی نخبگان در برابر زورمندان
	موضوع قرار دادن تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و تدریج‌های نیروهای قضایی-انتظامی برای تولید کالاهای فرهنگی		
	تخریب و رد اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با بمباران مخاطب از تصاویر برجسته شده		
	پرورش اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) از طریق ظرفیت‌های هنر، رسانه و آموزش		

نکته مهم در این مورد تذکر رهبری در همان سال ۱۳۷۱ درباره برخورد سطحی با مسئله تهاجم فرهنگی است. ایشان فرموده‌اند: «من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کار بدی است. اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد اصلی آن است که شما در



کوچه و خیابان نمی بینید! کسی به کسی گفت: «چه کار می کنی؟» گفت: «دهل می زنم.» گفت: «چرا صدای دهل در نمی آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من در می آید!» صدای فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواست، آن وقتی در می آید که دیگر قابل علاج نیست! با این حال، عدم همکاری نهادهای فرهنگی با سیاست فرهنگی تهاجم فرهنگی، مهمترین عامل ناکارآمدی، سطحی نگری و خنثی سازی این سیاست فرهنگی مؤثر شد.

راهکارها

در یک جمع بندی کلی سه حوزه پیرامون تهاجم فرهنگی وجود داشت:

۱. وجه مسئله آمیز غرب زدگی حاکم بر فضای شبه مدرن انفعالی؛ در سطح اندیشه ای (که عمدتاً پوشیده در تاریخ، فلسفه، علم و فناوری، فرهنگ و هنر و بالاخص علوم انسانی غربی [از جمله علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست و...] بوده و جز برای اهل اندیشه قابل تشخیص نیست).

۲. وجه مسئله آمیز برنامه های توسعه؛ در سطح عملیاتی و اداره کشور.

۳. وجه مسئله آمیز جبهه فرهنگی، هنری، رسانه ای معاند؛ در سطح سیاست فرهنگی (که عمدتاً از طریق بازتولید هنرمندان غرب زده و معاند و الگوسازی از ایشان برای جوانان در کنار تحقیر هنرمندان جوان انقلابی جریان دارد).

در این رابطه، سطحی از روش های فرهنگی مواجهه با تهاجم فرهنگی عبارتند از:

۱. گسترش فرهنگ دینی - انقلابی،

۲. گسترش رویکردهای انتقادی به غرب (که غالباً ذیل عنوان غرب‌شناسی

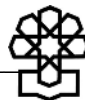
شناخته می‌شوند)،

۳. پرهیز از مصرف‌زدگی عمدتاً در بخش اجناس تجملی و کالاهای فرهنگی غربی.

همچنین، رهبری به‌عنوان مطرح‌کننده «تهاجم فرهنگی» راهکارهایی را نیز ارائه

کرده‌اند^۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی برای مواجهه با سطوح مختلف تهاجم فرهنگی در

۱. «من به مسئولین فرهنگی کشور، از وزارت آموزش و پرورش تا وزارت ارشاد اسلامی، تا سازمان تبلیغات اسلامی، تا بقیه مؤسسات و بنگاه‌های فرهنگی کشور، عرض می‌کنم: به عناصر خودی تکیه کنید. منظور من این نیست که اگر کسی، جوان انقلابی نیست، دستش را بگیرد بگذاریدش بیرون؛ نه ... به همه میدان بدهید. هرکس که می‌خواهد برای این ملت کار کند، کار کند. من می‌گویم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید. ... آن عنصری که وابسته به دستگاه شاهنشاهی است و دلش به یاد آن روزها می‌تپد، نمی‌آید از نظام و فرهنگ اسلامی دفاع کند. چرا ما باید غافل باشیم؟! کسی از فرهنگ اسلامی و حیثیت و موجودیت این ملت دفاع می‌کند و در مقابل تهاجم دشمن می‌ایستد که دلش در هوای اسلام بتپد و اسلام و ایران را دوست بدارد. عده‌ای که دین ندارند، میهن‌دوستی هم ندارند؛ ایران را هم قبول ندارند. ... اینها با این قلم زهرآگینشان می‌آیند در مقابل تهاجم دشمن، از فرهنگ ملی و اسلامی و ایرانی دفاع کنند؟! معلوم است که نمی‌کنند! معلوم است که این، ستون پنجم دشمن است! ... این، از خدا می‌خواهد که آمریکایی‌ها برگردند! از خدا می‌خواهد که نظام وابسته به آمریکا و استکبار و گردن کلفت‌ها برگردد. ... این ملت، برای اینکه حیثیتش و کیان حقیقی و انسانی و اسلامی و انقلابی و فرهنگ ملی‌اش حفظ شود، احتیاج به مجاهدت و مقاومت و ایستادگی در مقابل تهاجم دشمن و تهاجم کردن به نقاط ضعف دشمن دارد. این را خودی‌ها می‌توانند بکنند. ... اگر می‌خواهید هنر این کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه کنید. ... و الا آن کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای که وقتی فیلمی می‌سازد، از پیش فکر می‌کند که «این نکته را در این فیلم خواهم گنجانم، تا یکی از پایه‌های اعتقادی این نظام را هدف قرار دهم» که از اسلام و انقلاب دفاع نمی‌کند! ... یعنی اکتفا نمی‌کند به اینکه به انقلاب کمک نکند. فیلم می‌سازد برای اینکه به انقلاب حمله کند! از اوّل که این فیلم را می‌سازد، یا این داستان را می‌نویسد، هدفش این است که کارآیی نظام اسلامی را زیر سؤال ببرد و بگوید: «این نظام اسلامی، کارآیی ندارد». از اوّلی که این مقاله را می‌نویسد یا این اثر هنری را تولید می‌کند، هدفش این است که نشان دهد این دولت کارآیی ندارد؛ توان اداره ندارد» (بیانات رهبری در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۷۱/۵/۲۱).



بلندمدت و خارج ساختن آن از بن بست فعالیت‌های قضایی - انتظامی، اقدامات مهمی را سامان داده‌اند. در حوزه نخست طرح جنبش نرم‌افزاری تولید علم، نقشه جامع علمی کشور، کرسی‌های آزاداندیشی، تحول در علوم انسانی و... در این راستا قابل تحلیل است. در حوزه دوم الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی و دهه پیشرفت و عدالت مطرح شده است، اما همچنان بیشترین مشکلات و کمترین توفیقات در حوزه سوم - علیرغم موفقیت‌هایی در حوزه رسانه، شعر و ادبیات، داستان‌نویسی و رمان - برقرار است. درواقع بخش مهمی از این مشکلات در حوزه موسیقی، فیلم و سریال، سینما و... است که توفیقات در این زمینه بسیار ناچیز است.

جمع‌بندی

وجه تاریخی «شکاف نسل‌ها» شامل بلوغ جنسی جوانان و تغییر رابطه دو جنس، ورود جوان به جامعه و استقلال از خانواده، جدایی از خانواده برای ادامه تحصیل یا خدمت یا اشتغال، تغییر گروه مرجع و تقویت اهمیت گروه همسالان و... امر جدیدی نبوده و نیست. همچنین هویت‌یابی و بحران هویت جوانان در غرب و آثار آن در جامعه ما از یک‌سو و دور شدن از وقوع انقلاب اسلامی به منزله نقطه تاریخی انفجار نور، ازسوی دیگر، طبعاً با کاهش فضای ارزشی آن دوران همراه خواهد بود؛ که این امر نیز در تمامی انقلاب‌های دیگر مسبوق به سابقه است.

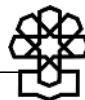
همان‌طور که می‌دانیم زمان طرح مسئله «شکاف نسل‌ها» به‌طور اجمالی به سال‌های پایانی دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی برمی‌گردد.

مطرح‌کنندگان این موضوع دولتمردان، نخبگان، روشنفکران و... و مروجان آن را رسانه‌ها: سینما، کتب، روزنامه‌ها، جراید و... تشکیل می‌دادند.

موضع رهبری در این مورد، مربوط به سال ۱۳۷۱ بوده است که از آن با تعبیر شبیخون فرهنگی و تهاجم فرهنگی یاد کرده‌اند. بنابراین ایشان پیش از روشنفکران به این مسئله پی برده و جوانان را به عنوان بخش اثرگذاری از جامعه، مخاطب تهاجم فرهنگی دانستند.

همچنین رهبری در همان سخنرانی سال ۱۳۷۱ به این نکته که عده‌ای به غلط و با سوءنیت از نبود «آزادی» دم می‌زنند، اشاره داشتند. در عین حال، گروهی با مانور تبلیغاتی بر روی تغییر ارزش‌ها، مطالبات جوانان، نبود آزادی و... در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ به قدرت دست یافتند و در طول ۸ سال دولت اصلاحات آن ایده را بسط دادند.

طبعاً در علوم اجتماعی، مطالعه تغییر و تحول بر مطالعه ثبات و تعادل، تقدم دارد، اما مطرح‌کنندگان «گسست نسلی» با نوعی گفتمان‌سازی، سایر دیدگاه‌های رقیب را از عرصه جامعه به حاشیه مجلات علمی کشاندند. یکی از اقدامات این دوره مفهوم‌سازی «نسل سوم» و «عوض شدن روزگار» و کاربرد آن در سطوح مختلف اجتماعی بود که به: - تزلزل ارزش‌های خانواده و حکومت - تعطیلی یا دشواری امر و نهی والدین و جامعه - ناکارآمد جلوه دادن خانواده و حکومت موجود و تعطیلی نظارت خانوادگی و اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر و نهایتاً گسترش پنهان ارزش‌های لیبرال - دمکراسی غربی و ایجاد نوعی «نسل سوم هراسی» منجر شد.



در عین حال، با یک نگاه آسیب‌شناسانه به اقدامات صورت گرفته جهت مقابله با «تهاجم فرهنگی» مشخص می‌شود که:

۱. تنها با صورتهای ملموس این مسئله نظیر بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری ویدئو و ماهواره و... برخورد شده است،

۲. برخوردهای صورت گرفته در این حوزه نیز عمدتاً از طریق نهادهای غیرفرهنگی و صرفاً از راه‌های سلبی صورت گرفته است. درحالی که سیاستگذاری فرهنگی از طریق نهادهای آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات، رسانه‌ها، جراید و نشریات، سینما، محصولات فرهنگی و... جاری می‌شود و به همین علت چنانچه سیاست فرهنگی، از مجاری غیرفرهنگی اجرایی شود و یا ازسوی ابزارهای سیاست فرهنگی مورد تردید، رد یا دشمنی واقع شود به نتیجه لازم که اثرگذاری بر جامعه است، نخواهد رسید. به عبارت دیگر، برخورد با رویه سطحی تهاجم فرهنگی آن هم از طریق نهادهای غیرفرهنگی و عمدتاً انتظامی - قضایی نه تنها به نتایج قابل توجهی دست نیافته، بلکه در برخی مواقع باعث وخامت اوضاع نیز شده است.

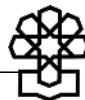
الف) اجرایی شدن سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) از مجاری غیرفرهنگی (نهادهای انتظامی - قضایی) ← ۱. برخورد سلبی، ۲. محدود شدن به صورتهای ملموس تهاجم فرهنگی (بی‌حجابی، ممنوعیت و جمع‌آوری ویدئو و ماهواره و...) ← ۱. آسیب دیدن و نارضایتی برخی از توده‌ها از برخورد قضایی - انتظامی، ۲. بروز برخی اشتباهات و تندروی‌ها و بداخلاقی‌ها ازسوی عاملان قضایی - انتظامی ← ۱. آمادگی ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق برای پذیرش رویکرد مخالف یا

رقیب، ۲. برجسته‌سازی تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و تندروری‌ها در رسانه‌های معاند، ۳. تخریب و رد اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با مستمسک قرار دادن تصاویر برجسته شده، ۴. اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) ← خنثی‌سازی سیاست فرهنگی.

(ب) تردید، رد یا دشمنی نهادهای فرهنگی با سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) ←

۱. استفاده از ظرفیت ناراضیان و آسیب‌دیدگان به حق یا ناحق از سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی)، ۲. موضوع قرار دادن تصاویر زشت و ناپسند از اشتباهات و تندروری‌های نیروهای قضایی - انتظامی برای تولید کالاهای فرهنگی، ۳. تخریب و رد اصل سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) با بمباران مخاطب از تصاویر برجسته شده، ۵. پرورش اتهام پلیسی، امنیتی و بی‌منطق بودن به سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) از طریق ظرفیت‌های هنر، رسانه و آموزش ← خنثی‌سازی سیاست فرهنگی (تهاجم فرهنگی) و اثبات سیاست فرهنگی رقیب (شکاف نسلی) ← جاری ساختن سیاست فرهنگی رقیب (شکاف نسلی) به‌عنوان سیاست فرهنگی نخبگان در برابر زورمندان.

نکته مهم در این مورد تذکر رهبری در همان سال ۱۳۷۱ درباره برخورد سطحی با مسئله تهاجم فرهنگی است. ایشان فرموده‌اند: «من بارها گفته‌ام: عده‌ای وقتی در خیابان نگاه می‌کنند و زنانی را می‌بینند که حجابشان قدری ناجور است، دلشان خون می‌شود. بله؛ این کار بدی است. اما کار بد اصلی، این نیست. کار بد اصلی آن است که شما در کوچه و خیابان نمی‌بینید! کسی به کسی گفت: «چه کار می‌کنی؟» گفت: «دهل می‌زنم.» گفت: «چرا صدای دهل در نمی‌آید؟» گفت: «فردا صدای دهل من در می‌آید!» صدای

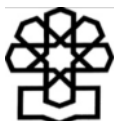


فروریختن ایمان و اعتقاد ناشی از تهاجم پنهانی و زیرزیرکی دشمن - اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید - خدای نخواست، آن وقتی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست!» با این حال، عدم همکاری نهادهای فرهنگی با سیاست فرهنگی تهاجم فرهنگی، مهمترین عامل ناکارآمدی، سطحی‌نگری و خنثی‌سازی این سیاست فرهنگی مؤثر شد.

منابع و مأخذ

۱. استانر ساندروز؛ فرانسیس. جنگ سرد فرهنگی، ترجمه بنیاد فرهنگی و پژوهشی غرب‌شناسی، تهران، انتشارات غرب‌شناسی، ۱۳۸۲.
۲. اینگلهارت، رونالد. تغییرات فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، ۱۳۷۳.
۳. اسماعیل، شفیعی سروسستانی. تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۴.
۴. رزاقی، ابراهیم. الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۴.
۵. رفیع‌پور، فرامرز. آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، چاپ پنجم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
۶. رفیع‌پور، فرامرز. توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۷. سایت www.khamenei.ir.
۸. شرفی، محمدرضا. جوان و نیروی چهارم زندگی: اراده خودساز شخصیت، چاپ ششم، تهران، سروش، ۱۳۸۹.
۹. محسنی، منوچهر. بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.

۱۰. مددپور، محمد. صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی. تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش عبدالجواد ابراهیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۷۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوانان ۲. مفهوم «تهاجم فرهنگی»

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: اسماعیل نوده‌فراہانی

ناظر علمی: سینا کلهر

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. جوانان

۲. تهاجم فرهنگی

۳. مسئله اجتماعی

۴. تغییرات اجتماعی

۵. سیاستگذاری فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۱۳